



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۲/۲۰

جانداد سپین غر

امکان سنجی برگزاری موفقانه انتخابات ریاست جمهوری آینده

اعلان تقویم برای انتخابات ریاست جمهوری که قرار است در ۳۱ حمل ۱۳۹۸ در سرتاسر افغانستان برگزار گردد، ظاهراً جسورانه اما منطقاً غیر واقع بینانه به نظر می‌رسد. زیرا نه کمیسیون انتخابات از نظر توانایی‌های عملیاتی و مدیریتی آماده تدویر انتخابات به تاریخ اعلام شده است و نه هم حکومت توانسته تا بستر لازم امنیتی و سیاسی را برای تدویر انتخابات بهتر در کشور به وجود بیاورد. چنان که بر علاوه تعلیق انتخابات ولایت غزنی عدم وضاحت در نتایج انتخابات پارلمانی بسیاری از ولایات کشور، احتمال ابطال این انتخابات و برگزاری مجدد آن با انتخابات ریاست جمهوری را بیشتر ساخته است.

از کمیسیون که بگذریم، بسیار عجیب به نظر می‌رسد که احزاب و جریان‌های سیاسی قبل از آن که روی یک سلسله اصلاحات انتخاباتی (تعدیل قانون انتخابات، تغییرات در ادارات انتخاباتی و ایجاد میکانیسم‌های نظارتی خاص) که تضمین کننده شفافیت و عادلانه بودن انتخابات باشد تاکید کنند، خود را آماده اشتراک در هر نوع انتخابات نشان می‌دهند و حتی از احتمال تاخیر انتخابات ابراز نگرانی می‌کنند.

از جایی هم با آن که بر اساس سروی‌های انجام شده سطح اعتماد عامه در رابطه به رعایت اصل یک فرد، یک رای بسیار پایین است و آن‌ها مانند گذشته از این که رای شان در تعیین سرنوشت شان کارساز نباشد، نگران‌اند. تا حال هیچ برنامه مشخص توسط ادارات انتخاباتی یا حکومت به هدف تقویت اعتماد عامه راه‌اندازی نگردیده است. این در حالی است که پیچیده شدن روند رسیدگی به قضایای انتخاباتی از یک طرف و عدم موجودیت اراده حکومت برای برخورد با مرتکبان تقلبات سازمان یافته انتخابات گذشته از جانب دیگر، اعتماد مردم بر بی طرفی حکومت و ادارات انتخاباتی را حین روند انتخابات، بیش از پیش کاهش داده است.

ضرب‌المثلی در بین مردم عوام افغانستان وجود دارد که می‌گوید: سالی که نکوست از بهارش پیداست. در علوم انسانی نیز معمول است که پاسخ برای احتمال کامیابی یک برنامه را با تحلیل از عواملی که در درس‌های آموخته شده از گذشته نهفته است، جست و جو می‌کنند. حال اگر بخواهیم که در مورد انتخابات آینده ریاست جمهوری نظر خوش بینانه و یا بدبینانه ارایه کنیم باید به شاخص‌هایی که از درس‌های آموخته شده از انتخابات گذشته در این کشور رابطه دارد، رجوع کنیم.

حکومت وحدت ملی زیر فشار جامعه جهانی در اخیر سال ۲۰۱۶ دوباره اصلاحات انتخاباتی را شامل اولویت‌های کاری خودش ساخت. این بار حکومت وحدت ملی قانون انتخابات را بر خلاف طرح‌های پیشنهادی کمیسیون اصلاحات انتخاباتی، در یک روند غیر دموکراتیک بدون آن که نظریات جامعه مدنی و جریان‌های سیاسی را در مورد به دست آورد، در مجلس کابینه حکومت تعدیل کرد.

حکومت وحدت ملی همچنان بر اساس قانون جدید ترکیب کمیته گزینش کمیشنران کمیسیون‌های انتخاباتی را نیز تغییر داد و به جای یک ترکیب خبره و مسوولیت پذیر که کمیسیون اصلاحات انتخاباتی پیشنهاد کرده بود، افرادی که با مبحث انتخابات آشنایی نداشتند و کم تر مسوولیت پذیر بودند را به کار گماشت.

نگرانی از موجودیت پتانسیل مداخله حکومت در امور ادارات انتخاباتی کشور:

یکی از درس‌های مهم که بعد چندین دور انتخابات در افغانستان تکرار شد اما هم سیاسیون داخل قدرت و هم بیرون قدرت از آن نیاموختند، پی‌آمدهای ناگوار ناشی از مداخله در امور ادارات انتخاباتی کشور می‌باشد.

اکثریت تحلیل گران و ناظران همین مسأله را عامل عمده ای بحران انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ تلقی کرده‌اند. چنان که پی‌آمد های آن سبب شد تا رهبران حکومت وحدت ملی در ضمن توافق نامه سیاسی تعهد کنند که اصلاحات انتخاباتی را منحصیث اولویت درجه اول مد نظر گرفته و برای اصلاح نظام انتخاباتی تلاش لازم به خرج دهند. اما طوری که در عمل دیده شد علی الرغم این توافق روند اصلاحات انتخاباتی با تاخیر ۹ ماهه بعد از ایجاد حکومت وحدت ملی آغاز گردید، کمیسیونی تحت نام کمیسیون اصلاحات انتخاباتی تشکیل شد که بعد از مدتی به کمک تخنیکی سازمان ملل و در مشورت با نهادهای مدنی طرح‌های پیشنهادی را در رابطه

به اصلاح قوانین انتخاباتی، تعیین کمیشنران کمیسیون های انتخاباتی به شیوه درست و شفاف، تهیه لیست رای دهندهگان به شکل معیاری به حکومت وحدت ملی ارائه کرد. اما حکومت وحدت ملی به بهانه های مختلف چون وضعیت امنیتی، اصلاحات اقتصادی و مبارزه با فساد، اصلاحات انتخاباتی را که وعده داد بود از اولویت بیرون کرد.

حکومت وحدت ملی زیر فشار جامعه جهانی در اواخر سال ۲۰۱۶ دوباره اصلاحات انتخاباتی را شامل اولویت های کاری خودش ساخت. این بار حکومت وحدت ملی قانون انتخابات را بر خلاف طرح های پیشنهادی کمیسیون اصلاحات انتخاباتی، در یک روند غیر دموکراتیک بدون آن که نظریات جامعه ای مدنی و جریان های سیاسی را در مورد به دست آرد، در مجلس کابینه حکومت تعدیل کرد.

کمیته گزینش که تحت نظر اداره امور دولت کار می کرد، نیز در یک روند غیر شفاف و سمبولیک که با اعتراضات جامعه ای مدنی و احزاب سیاسی روبرو بود، تعدادی از افراد را منحصت کمیشنران جدید به رییس جمهور معرفی کرد. بالاخره در یک اقدام سمبولیک هیات بلند رتبه که در ترکیب آن رییس جمهور، رییس اجرایی، معاون دوم ریاست جمهوری و رییس ستره محکمه نیز شامل بودند، طی مصاحبه های انفرادی کمیشنران جدید کمیسیون را تعیین کرد. اما چندی نگذشت که پی آمدهای ناگوار این کار آشکار گردید، اختلافات داخلی بین کمیشنران و کارمندان ارشد در هر دو کمیسیون منتج به استعفای رییس و رییس دارالانشای کمیسیون انتخابات و به تعلیق در آورده شدن وظایف تعدادی از کارمندان ارشد کمیسیون شکایات انتخاباتی نیز شد.

ناتوانی مدیریتی و عملیاتی ادارات انتخاباتی در برگزاری انتخابات:

کمیسیون انتخابات با وجود آن که حمایت های مالی و تخنیکی سازمان ملل و همکاری جامعه ای مدنی کشور را با خود داشت، در تهیه لیست رای دهندهگان موفق نبود. با آن که اکثریت نفوس کشور در شهرها، جایی که امنیت نسبی وجود دارد، زنده گی می کنند که تعداد زیادی آن ها واجد شرایط رای دهی اند، با آن هم تعداد افراد ثبت شده طی برنامه های کمیسیون انتخابات بسیار پایین بوده است.

به همین منوال تعویق انتخابات تعدادی از ولایات و ولسوالی ها تنها ریشه در مسایل امنیتی نداشته بلکه عدم توانایی مدیریتی کمیسیون انتخابات نیز در این تعویق و تأخیرها نقش داشته است.

مشکلات کمیسیون در برگزاری انتخابات و خلاهای مدیریتی که سبب مشکلات زیاد و بی نظمی ها در این انتخابات گردید، چنان که اکثریت نهادهای ناظر ملی و بین المللی که از این روند نظارت کردند، این بی نظمی ها را ناشی از عدم توانایی ظرفیت مدیریتی کمیسیون دانستند.

همچنان حجم شکایات و قضایای انتخاباتی از یک طرف، و عجز و ناتوانایی کمیسیون شکایات انتخاباتی در تعقیب این قضایا از جانب دیگر، مشکلات ادارات انتخاباتی را کاملاً آشکار می سازد. چنان که به گفته های ناظران و تحلیل گران امور انتخابات، عدم هم آهنگی دو کمیسیون حین بررسی قضایای انتخاباتی، وضعیت را بیشتر پیچیده کرده و نگرانی زیادی را در مورد پی آمدهای این انتخابات به وجود آورده است.

ناتوانی احزاب و جریان های سیاسی برای وارد کردن اصلاحات لازم قبل از تدویر انتخابات:

بر بنیاد نظریات اکثریت ناظرین و کارشناسان امور انتخابات، نبود اپوزسیون سیاسی تاثیرگذار یکی از عمده ترین عوامل بوده است که روند اصلاحات انتخاباتی در افغانستان را با چالش مواجه کرده است. کمبود ظرفیت در احزاب و جریان های سیاسی سبب شده تا آن ها نتوانند نقش اساسی را در روند قانون گذاری قانون های انتخاباتی، جلوگیری از مداخله و نفوذ حکومت در ادارات انتخاباتی و جلب مشارکت مردم و یا تحریم انتخابات داشته باشند. چنان که در گذشته دیده شد، با آن که اکثریت احزاب و جریان های سیاسی از طرح های پیشنهادی کمیسیون اصلاحات انتخاباتی حمایت می کردند، اما زمانی که این طرح ها توسط حکومت دور زده شد و قانون جدید انتخابات بدون در نظر داشت آن در یک روند غیر دموکراتیک تعدیل گردید، هیچ کدام از این جریان های سیاسی تلاشی برای آوردن فشار بر حکومت را انجام ندادند.

به همین منوال حین روند گزینش کمیشنران کمیسیون های انتخاباتی با آن که اکثریت احزاب و جریان های سیاسی از این روند ناراضی بودند و آن را غیر شفاف و تحت نفوذ حکومت می خواندند، هیچ ایستاده گی مدنی را در مورد این اقدام حکومت از خودشان نشان ندادند.

همچنان حین روند انتخابات پارلمانی دیده شد که احزاب و جریان های سیاسی نتوانستند تا حکومت وحدت ملی را آماده پذیرش خواست های اصلی شان سازند، چنان که پیشنهاد های شان برای تغییر سیستم (رای واحد غیر قابل انتقال) و ایجاد کمیتهای خاص نظارتی توسط حکومت و کمیسیون انتخابات پذیرفته نشدند. و حتا پیشنهاد شان برای بایومتریک تمام رای دهندهگان با آن که ظاهرأ پذیرفته شده بود، اما به بهانه های مختلف جنبه ای عملی پیدا نکرد.

بی اعتمادی موجود در رابطه به رعایت اصل «یک فرد یک رای» در انتخابات:

سطح بلند از تقلبات سازمان یافته به دلیل عدم بی طرفی کارمندان کمیسیون انتخابات در دوره های گذشته و عدم برخورد قانونی با مرتکبین آن ها، سبب شده تا اکثریت مردم افغانستان باورشان را به طور روز افزون به رعایت

اصل یک فرد یک رأی از دست دهند. به گفته‌ای تحلیل‌گران امور انتخابات، این مسأله یکی از عواملی بوده که مشارکت مردم در پروسه‌های انتخاباتی به طور روزافزون کاهش داشته است. بر علاوه نبود لیست معیاری رأی دهنده‌گان و نادیده گرفتن سیستم بایومتریک در انتخابات اخیر بر سطح این بی‌اعتمادی افزوده است.

حالا با در نظر داشت مسایل ذکر شده در بالا، سوالی که باید مطرح باشد این است که چرا با نادیده گرفتن تمام این درس‌های آموخته و نقایص موجود در نظام کلی انتخابات، باز هم تاکید بر برگزاری انتخابات به موقع صورت می‌گیرد؟

در پاسخ باید گفت: اولاً، نظریاتی وجود دارد که نشان می‌دهند، شاید تاریخ اعلام شده یک تاریخ واقع بینانه نباشد و حکومت وحدت ملی ظاهراً آماده‌گی خود را به تدویر انتخابات ریاست جمهوری در مطابقت با احکام قانون اساسی نشان داده و کمیسیون انتخابات را تشویق به اعلام تاریخ و تقویم انتخابات ریاست جمهوری در ۳۱ حمل ۱۳۹۸ کرده است. تا باشد از این طریق پوتانسلی برای انتقادات رقیبان سیاسی علیه خودش را در داخل و بیرون کشور کاهش دهد.

ثانیاً: از موضع‌گیری‌های حکومت نیز طوری به نظر می‌رسد که بدون هیچ دغدغه‌ای علاقمند برگزاری انتخابات ۳۱ حمل ۱۳۹۸ می‌باشد. زیرا در وضعیت موجود امتیازات، وسایل، امکانات و فرصت‌هایی را که این گروه در اختیار دارد، می‌تواند از راه اندازی انتخابات غیر شفاف و ناعادلانه بیشترین بهره را به نفع نامزد خود ببرد.

ثالثاً: در مورد چرایی رضایت دادن احزاب و جریان‌های سیاسی در برگزاری انتخابات ۳۱ حمل، باید گفت که تحلیل‌هایی وجود دارد که گویا بعضی از احزاب و جریان‌های سیاسی تنها به دنبال گرفتن امتیازات سیاسی از راه‌های مصون و آسان‌اند، نه رقابت نفس‌گیر در انتخابات، به همین دلیل در جست‌وجوی فرصت‌هایی اند تا در کنار نامزدان برنده به امتیازات سیاسی برسند. به همین دلیل هم از یک روند انتخاباتی که احتمال بحرانی شدن آن بیشتر است، حمایت می‌کنند چنان که بهترین فرصت به این گونه گروه‌ها بحرانی شدن انتخابات با وضعیت مشابه انتخابات ۲۰۱۴ خواهد بود تا به آسانی بتوانند در حکومتی که به میانجی‌گری جامعه‌ای جهانی تشکیل می‌گردد به امتیازات خاص سیاسی دست پیدا کنند.

در رابطه به بعضی دیگر از جریان‌های سیاسی هم چنان گفته می‌شود که با سرعت گرفتن روند صلح‌ساحه را برای رقابت سیاسی شان در کشور محدود تر می‌بینند و علاقمند اند تا قبل از پیشرفت در گفت‌وگوهای صلح جایگاه شان را بیشتر از پیش در میدان سیاست افغانستان تثبیت کنند. بناً خواهان انتخابات زودهنگام می‌باشند. رابعاً: تنها مسأله‌ای را که نمی‌توان پاسخ احتمالی ارایه کرد، چرایی در رابطه به نامشخص بودن موضع‌گیری جامعه‌ی جهانی پیرامون تقویم اعلام شده انتخابات ریاست جمهوری است. اما به هر حال قسمی که در گذشته تجربه نشان داده است، با وجود آن که هیچ تضمین برای تدویر یک انتخابات شفاف و حد اقل متناسب با استندردهای کشورهای جهان سوم در افغانستان وجود نداشته است، جامعه‌ی جهانی باز هم بدون کدام پیش‌شرط آماده همکاری با دولت افغانستان در تدویر انتخابات گردیده است.

پایان

با تشکر از روزنامه هشت صبح